

مروری بر رابطه انسان با طبیعت در تمدن‌های مشرق زمین

سارا معصومی: کارشناسی ارشد معماری، دانشکده معماری، موسسه آموزش عالی اقبال لاهوری، مشهد، ایران
Arch.1369@yahoo.com

چکیده

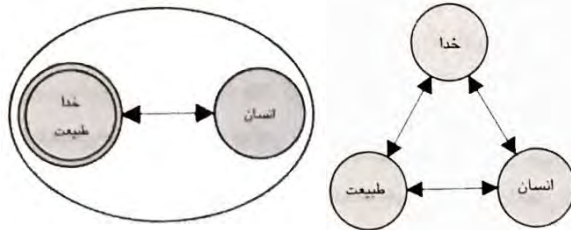
بی‌گمان مطالعه رابطه میان انسان و طبیعت با توجه به دوره‌های تاریخی آن در شکل‌گیری معماری در بستر زمان بسیار حائز اهمیت بوده چرا که بشر از دیرباز در رابطه‌ای تنگاتنگ با طبیعت بوده‌است. این مقاله با هدف بیان چگونگی رابطه انسان با طبیعت با توجه به دوره‌های زمانی مشخص (تمدن‌های مشرق‌زمین) به نگارش در آمده و سوال اصلی این پژوهش آن است که رابطه انسان با طبیعت در هر یک از تمدن‌های مشرق زمین براساس تقسیم‌بندی دوره‌های زندگی انسان در طول تاریخ شامل ارگانیک، فراارگانیک، فروارگانیک و سمی ارگانیک از کدام نوع است؟ تحقیق از نوع تحقیق‌های بنیادین و توصیفی بوده و روشی جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای است. مقاله با مقدمه‌ای از اهمیت تعامل انسان و طبیعت شروع و سپس تقسیم‌بندی دوره‌های زندگی انسان در طول تاریخ، چگونگی تعامل انسان و طبیعت در دوران پیش از تاریخ و سپس هر یک از تمدن‌های مشرق زمین شامل رابطه انسان و طبیعت در تمدن بین‌النهرین، مصر باستان، ایران، هند، چین و ژاپن تشریح و سپس در مرحله تحلیل آن‌ها به تفکیک دوره، چگونگی رابطه انسان با طبیعت و نحوه برخورد او مورد بررسی قرار گرفته و در جداول تحلیلی اصلی‌ترین این مفاهیم را طبقه‌بندی می‌کند. پژوهش نشان می‌دهد که در اکثر فرهنگ‌ها و تمدن‌های مشرق زمین ارتباط نزدیکی بین انسان و طبیعت وجود داشته و همسویی با طبیعت ملاک اکثر این تمدن‌ها بوده است.

واژه‌های کلیدی: انسان، طبیعت، تمدن‌های مشرق‌زمین، دوره‌های تاریخی، تعامل با طبیعت



۱- مقدمه

طبیعت آشکارا قصد دارد به انسان نظم، وضوح و اطاعت از قوانین آفرینش و تکامل را بیاموزد (گلپروفر، ۱۳۸۸، ص ۱۷۵). بشر از دیرباز در رابطه‌های تنگاتنگ با طبیعت به سر برده و در طول تاریخ، طبیعت و آثار موجود در آن همیشه منبع الهام و سرمشق خلاقیت‌های انسان بوده است. انسان پیش از عصر صنعتی شدن، در تعامل با طبیعت پیرامونی قرار داشت. او خود را جزئی از طبیعت می‌دانست و سایر اجزای طبیعت را نیز مقدس می‌شمرد. این نگرش در بسیاری از فرهنگ‌های شرقی چه در گذشته و چه امروزه وجود دارد و انسان شرقی، خود را از جهات گوناگون در ارتباط با طبیعت می‌داند و همین رابطه باعث بقای او است (تصویر ۱) (جهان‌دار، ۱۳۹۱، ص ۱۷). در بسیاری از فرهنگ‌های شرقی، ارتباط کاملاً نزدیکی بین انسان و طبیعت وجود داشته و امروزه نیز گاهی این ارتباط به چشم می‌خورد. انسان خود را جزئی از طبیعت می‌دانسته و به این دلیل در ارتباطی چندگانه با آن بوده است. این ارتباط نزدیک، هم به انسان و هم به طبیعت امکان ادامه زندگی را می‌داده است. چنین ارتباطی بین انسان و طبیعت در جوامع غربی نیز وجود داشته اما بعدها جهان‌بینی مسیحی آن را تغییر داد. این ارتباط دوگانه از طریق مسیحیت تبدیل به یک ارتباط مثلث شد. براساس این تفکر، خداوند طبیعت را خلق کرده و بشر بایستی از آن استفاده کند. در شرق آسیا آنچه خدایی بود علی‌رغم طبیعی‌بودنش در ارتباط نزدیک و یا حتی در یگانگی با طبیعت قرار داشت (تصویر ۱) (گروتز، ۱۳۹۰، ص ۱۴۶).



تصویر ۱: تصویر سمت راست: نوع رابطه انسان و طبیعت در تمدن غرب؛ تصویر سمت چپ: نوع رابطه انسان و طبیعت در تمدن شرق؛ ماخذ: (گروتز، ۱۳۹۰، ص ۱۴۷).

۲- تقسیم‌بندی دوره‌های زندگی انسان در طول تاریخ

دوره‌های زندگی انسان در طول تاریخ بشر براساس نوع رابطه او با طبیعت و نحوه تعامل با آن قابل طبقه‌بندی است. جهان‌دار (۱۳۹۱، ص ۱۲) "دوره‌های زندگی انسان را بر اساس نوع رابطه او با طبیعت و چگونگی این رابطه شامل ارگانیک، فراارگانیک، فراارگانیک و سمی‌ارگانیک طبقه‌بندی کرده است." در ادامه به توضیح این چهار نوع رابطه و ویژگی‌های هر یک می‌پردازیم.

۲-۱- ارگانیک (Organic)

دوران غارنشینی و شکار انسان، زمانی که بشر با ناشناخته‌های زیادی روبرو است و طبیعت برای او مقدس و دست نیافتنی است. انسان هنوز به محیط زندگی خود شناختی ندارد و مقهور طبیعت است و تحت حاکمیت مطلق طبیعت قرار دارد. در این راستا می‌توان به دوره دیرینه سنگی اشاره کرد که انسان‌ها از طریق شکار حیوانات ارتزاق می‌نمودند و با شروع فصل سرما به دورن غارها پناه می‌بردند. در واقع "سال‌های متمادی بشر بدون قدرت تسلیم طبیعت بود" (Bollnow, ۱۹۸۰، ص ۸۸).

۲-۲- فراارگانیک (Ultra Organic)

دوران کشاورزی، دوره‌ای که انسان نسبت به محیط پیرامون خود کمی شناخت پیدا می‌کند و به طور محدودی قادر به شناسایی محیط پیرامون خود است. انسان نظم موجود در طبیعت را تا حدودی یافته و سعی در تقلید و کنترل آن دارد، پس با دیدن رویش گیاهان و دانه‌ها در طبیعت، به تقلید از آن کشاورزی را آغاز کرده و تنها از طبیعت و امکانات موجود در آن استفاده نمی‌کند بلکه آن‌ها را پرورش داده و از تولیدات جدید در جهت ایجاد آسایش استفاده می‌کند. در این اثنی رابطه انسان و طبیعت در مسیر هماهنگ بودن و تطبیق یافتن با طبیعتی است که برای انسان بسیار عظیم دارد. به عنوان مثال می‌توان به اوایل دوره نوسنگی اشاره کرد که انسان به کشاورزی پرداخت و موفق به اهلی کردن برخی جانوران وحشی گردید، و با این کار، از شکار کردن، به کشاورزی و دامداری و تشکیل نخستین گروه‌های روستایی روی آورد.

۲-۳- فراارگانیک (Infra Organic)

نخستین تلاش‌ها برای توجه به عینیت طبیعت و برابر قرار دادن آن با انسان در دوره رنسانس صورت گرفت به این ترتیب نقش خارق‌العاده یا خدایی طبیعت در رابطه انسان-طبیعت روزبه‌روز ضعیف‌تر شد و این آغاز تحولی بود که تا امروز نیز هر لحظه این رابطه را مصیبت‌بارتر کرده است. بشر به‌عنوان یک موجود زنده، جزئی از طبیعت است که در آن زندگی می‌کند و به آن وابسته می‌باشد. قوانین فیزیک بر طبیعت یا دست ساخته انسان به‌نحو یکسان حاکم است (گروتز، ۱۳۹۰، ص ۱۴۶). در این دوره شناخت انسان نسبت به طبیعت کامل شده و به محیط خود اشراف نسبی پیدا کرده است پس برای آسایش بیشتر دخل و تصرف‌هایی در طبیعت انجام می‌دهد. رشد علم و پیشرفت تکنولوژی که با انقلاب صنعتی سرعت گرفته بود موجب به‌وجود آمدن انسانی شد که هر چه بیشتر طبیعت را در تسخیر خود می‌خواست و از آن بهره‌برداری می‌کرد. طبیعت حکم مواد خام تولیدات صنعتی او و بستری برای دست‌ساخته‌هایش بود. هرچند در ابتدا با بی‌توجهی به طبیعت و نظام آن عمل می‌کرد اما در نهایت با آغاز قرن ۲۰ این روند رو به تخریب کردن طبیعت نهاد و بشر شروع به غارت منابع طبیعی کرد، تا در نهایت با وقوع بحران نفت در دهه ۷۰ این قرن، این عملکرد مخرب، نمود عینی در طبیعت یافت و بشر، شرایط به‌وجود آمده را تهدیدی برای زندگی خود دید. مانند عدم توجه به طبیعت در ساختار کلان شهرها و مصائب به‌وجود آمده از آن در زندگی انسان معاصر، انسان در این دوره طبیعت را هرچه بیشتر در تسخیر خود می‌خواست. در آن دخل و تصرف کرده و از آن بهره‌برداری می‌کرد.

۲-۴- سمی ارگانیک (Semi Organic)

در دنیای معاصر کم‌رنگ شدن رابطه میان انسان با طبیعت بر چگونگی رابطه معماری با طبیعت نیز تاثیر شایانی داشته به‌طوری‌که حسین نصر به "از میان رفتن انسجام و هماهنگی میان انسان و طبیعت در دنیای معاصر بر محور شدن انسجام و هماهنگی بین انسان و خدا تاکید نموده است" (نصر، ۱۳۷۹). اتمام بسیاری از

منابع طبیعی و تکیه بیش از اندازه به این منابع در خطر نابودی، انسان را بر آن داشت تا نگاه خود را به طبیعت تغییر دهد و نگاهی به سیر تاریخی رابطه خود با طبیعت بیاندازد، پس بشر به سوی هماهنگ‌سازی خود با طبیعت روانه شد اما نه در قالب تکرار دوران فراارگانیک بلکه این بار بشر فن‌آوری پیشرفته‌تر و تکنولوژی را در اختیار داشت که می‌توانست در این تطبیق جدید با طبیعت، کاراتر عمل کند و بشر را در به‌دست آوردن منابع تجدیدپذیر طبیعی یاری کند. انسان اکنون احساس مسئولیت در برابر طبیعت می‌کند و سعی در جبران اعمال پیشین خود دارد (جهان‌دار، ۱۳۹۱، ص ۱۴). به‌طوریکه "تنها مکان‌های مشخص را در طبیعت جستجو می‌کند و در آن‌جا هنوز قادر به تجربه کشتزارهای وسیع، دره‌های باریک، فضاهای دلتنگی و شادی می‌باشد (نوربرگ شولتز، ۱۳۸۲، ص). باید در نظر داشت که این مراحل همیشه یکی پس از دیگری به‌وجود نیامده‌اند گاه حتی به‌صورت هم‌زمان نیز وجود داشته‌اند و ظهور هر مرحله به معنای پایان مراحل قبل نیست، به‌طور مثال در بسیاری از کشورهای در حال توسعه زندگی و رابطه انسان‌ها بر اساس الگوی فراارگانیک است. هرچند در کشورهایی با تکنولوژی بالا بسیاری از جنبه‌های زندگی انسان‌ها بر اساس دوران سمی‌ارگانیک شکل گرفته و پیش می‌رود و در این حال هنوز در بسیاری از مناطق زندگی بومی دوران فراارگانیک به شکل خود ادامه می‌دهد (جهان‌دار، ۱۳۹۱، ص ۱۴).

۳- رابطه انسان و طبیعت در دوران پیش از تاریخ

انسان از بدو پیدایش تاکنون در طبیعت به کند و کاو مشغول است. در طبیعتی که همواره برای او ناشناخته و پر رمز و راز بوده است (گلپرور فرد، ۱۳۸۸، ص ۱۷۵). انسان اولیه با شناخت اندک از ماهیت و ذات عناصر و نیروهای طبیعت، رابطه رازگونه، آمیخته با ترس و احترام نسبت به پدیده‌های طبیعی داشتند که از دل آن اسطوره‌ها شکل می‌گرفت. طبیعت همواره بعد اصلی این اسطوره‌ها بود و هر یک از تمدن‌های باستانی با توجه به فرهنگ خود، این نمادها و عناصر مافوق طبیعی را به گونه‌ای خاص در هنر خود نمایان می‌کردند. در این روند هرچه دریافت انسان از طبیعت کامل‌تر شد شکل بیان او از طبیعت و پدیده‌های طبیعی نیز تغییر کرد که از هنر برآمده از هر دوران بهترین نمونه این دریافت است. در نهایت تجربه حضور این باورها در نمادهایشان در ساختارهای بشری نیز انعکاس پیدا کرد (جهان‌دار، ۱۳۹۱، ص ۱۷). عناصر طبیعی اولین نمادهایی هستند که تمدن‌های بزرگ در سرتاسر تاریخ به‌کار بردند تا معانی و مفاهیم و باورهای خود را در شکل اسطوره‌ها، ججاری‌ها و نگاره‌ها بیان کنند.

در این میان محیط و نحوه معیشت تاثیر به‌سزایی بر اساطیر هر تمدن دارد. تصاویر به‌دست آمده از انسان پیش از تاریخ در غار لاسکوا و آلتامیرا تاکید می‌کند که این تصاویر با هدف بیان هنر و زیبایی ترسیم نشده‌اند بلکه با هدف تسخیر و تسلط بر طبیعت و نیروهای آن (شکارچیان طبیعی) شکل گرفته‌اند و هدفی فراتر از زیبا سازی محیط داشته‌اند. انسان دوره پارینه سنگی با ایجاد نقاشی‌ها بر روی غارها نشان داد که جهان‌بینی متفاوتی نسبت به محیط اطرافش پیدا کرده است او سعی داشت جهانی را که درک می‌کرد بیان کند. این ابتدایی‌ترین حرکت انسان به سمت ایجاد هنر بود؛ شرح جهان پیرامون به تفسیر امروز این آثار به هیچ‌وجه جز آثار هنری محسوب نمی‌شوند (جهان‌دار، ۱۳۹۱، ص ۱۷). زارعی نیز در کتاب آشنایی با معماری جهان در ارتباط با این نقاشی‌ها ذکر نموده "بسیاری از این نقاشی‌ها در مدخل غار که روشنایی در آن موجود بوده کشیده نشده‌اند، بلکه در قسمت‌های عقبی غار ترسیم شده‌اند و این عمل حکایت از آن دارد که نقاشی‌ها جنبه تزیینی نداشته‌اند. به نظر می‌رسد علت ترسیم این تصاویر این بوده است که نخست بتوانند حیوان را برای همیشه در اختیار خود (انسان) داشته باشد. برای نمونه در بدن برخی از حیوانات نیزه و یا تیر هم ترسیم شده است. دوم افراد همزیست در شکار دسته‌جمعی بر جانورانی که غذای اصلیشان را تامین می‌کرد چیره شوند. سوم این که می‌خواستند با مکرر ساختن تصاویر جانوران بر صخره‌ها تعداد آن‌ها را بیش‌تر و نسلشان را بارورتر کنند (زارعی، ۱۳۸۵، ص ۳). جهان‌دار (۱۳۹۱، ص ۱۸).

در ارتباط با نقاشی‌های انسان در دوره پارینه‌سنگی این چنین نتیجه‌گیری می‌کند که "برای انسان پارینه‌سنگی طبیعت چیزی غیر قابل درک و تهدیدکننده بوده است و صحنه‌های نقاشی شده از شکار و حیوانات اولین ابزار بشر برای حاکم شدن بر طبیعت بوده و تنها بیان‌گر رویای آنان بوده است." در ارتباط با شکل‌گیری معماری در دوران پیش از تاریخ به‌خصوص در دوران نوسنگی ذکر شده "انسان در راه تسلط بر محیط خویش گام بزرگی برداشت. در این دوره بود که انسان به کشاورزی پرداخت و موفق به اهلی کردن برخی جانوران وحشی گردید، و با این کار، از شکار کردن، به کشاورزی و دامداری و تشکیل نخستین گروه‌های روستایی روی آورد. به‌طور کلی دوره نوسنگی، دوره ایست که بشر از طبیعت جدا شده و دست به ساختمان و تغییر محیط طبیعی خود زد. ایجاد خانه یا کلبه از شاخه‌ها، اولین ساخته بشر بود، که شکلی مدور داشت. انتخاب فرم دایره‌ای برای خانه از نظر تکنیکی بیش‌تر به خاطر مشکلات سقف بوده است، عده‌ای معتقدند که انسان این فرم را از طبیعت و چیزهایی که در آن برای او ناشناخته و مظهر عظمت بودند، مثل خورشید و ماه تقلید کرده است. کهن‌ترین منطقه‌ای که آثار ساختمانی ساخت بشر، در آن ایجاد گردید، در خاورمیانه بوده است، و به همین دلیل است که این منطقه را، گهواره تمدن نامیده‌اند" (زارعی، ۱۳۸۵، ص ۴).

جدول ۱: نوع رابطه انسان و طبیعت در دوران پیش از تاریخ

نوع رابطه انسان و طبیعت		دوره تاریخی	
۱. طبیعت ناشناخته است.	✓	ارگانیک	دوران پیش از تاریخ
۲. رابطه رازگونه، آمیخته با ترس و احترام نسبت به پدیده‌های طبیعی.			
۳. طبیعت غیر قابل درک و سعی در حاکم شدن بر طبیعت.			
۴. ایجاد جهان‌بینی متفاوت نسبت به محیط اطراف با گذر زمان و جستجو در پدیده‌ها.			
۵. تقلید از فرم طبیعی پدیده‌ها مانند فرم دایره‌ای خورشید و ماه در ایجاد پناهگاه‌ها (الهام از فرم عناصر موجود در طبیعت).			
		فراارگانیک	
		فراارگانیک	
		سمی‌ارگانیک	

منبع: نگارنده

۴- رابطه انسان و طبیعت در تمدن بین‌النهرین

در این دوره مردم اهمیت بسیاری به طبیعت می‌دادند و به‌طور کلی می‌توان گفت که طبیعت را پرستیده و طبیعت برای آن‌ها مقدس بوده و به علت مقدس بودن طبیعت برای آن‌ها، از طبیعت در زندگی خود الهام گرفته‌اند. در این دوره زمین را به‌عنوان منبع بقا و عنصر طبیعی بر شمرده و به‌همین دلیل زمین نیز برای آن‌ها مقدس بوده، آب را عامل تولید، بقا، رویش گیاهان و خنک کردن هوا دانسته و به‌همین علت آب نیز یک ارزش معنوی برای آن‌ها داشته است. در این تمدن رابطه ستایش‌آمیزی بین طبیعت و این سرزمین وجود داشت و مبین نوع ارتباط انسان با طبیعت پیرامونش بوده است. احترام به محیط طبیعی و تقدیس آن، انسان را موظف می‌ساخت که تمامی فعالیتش را با طبیعت هماهنگ سازد. تقدیس طبیعت، موجب می‌شد که انسان خود را نگهبان آن ببندارد و تمامی عملیاتش را با عناصر آن (خطوط، نور و رنگ‌های طبیعت) همگون و هماهنگ سازد (دانش‌فر، صدیق، ۱۳۹۱، ص ۱۳). اسطوره‌های بابلی بیانگر این باور بودند که هستی خلق شده از آب است و الهه دریا، زمین و آسمان را زائیده بود. تجلی این اعتقادات در باغ‌های بابل نمود عینی پیدا کرد. باغی که در اندیشه انسان بین‌النهرینی نمودی از جهان جاودانه بود. باغ‌هایی که به‌صورت تراس‌های مشجر بر روی یکدیگر ساخته و روی هر طبقه گونه‌های گیاهی متفاوت کاشته شده بود با محوری از آب که با دو ردیف درخت احاطه می‌شد (بهیسانی، ۱۳۷۲). با توجه به پدید آمدن باغ‌ها در تمدن بابل از تمدن‌های بین‌النهرین می‌توان در مقام جمع‌بندی ذکر نمود که باغ مکانی است که در آن حیات انسان و طبیعت به هم می‌رسند و هماهنگ می‌شود. باغ شکوه تلاش انسان است برای یافتن جایگاه خود در این عالم. لذا شناخت و بررسی باغ در تمدن‌های گوناگون جهان‌بینی ایشان به هستی، طبیعت و انسان را باز می‌نماید (جهان‌دار، ۱۳۹۱، ص ۱۹).

جدول ۲: نوع رابطه انسان و طبیعت در تمدن بین‌النهرین

نوع رابطه انسان و طبیعت		دوره تاریخی	
		ارگانیک	بین‌النهرین
۱. تقدیس طبیعت و عناصر موجود در آن در تمامی تمدن‌های بین‌النهرین		فرارگانیک	
۲. در نظر گرفتن الهه‌های برای طبیعت و عناصر موجود در آن			
۳. انسان به‌عنوان محافظ طبیعت و عناصر آن به‌خصوص در تمدن آشور.	✓		
۴. احترام به محیط طبیعی و تقدیس طبیعت و به‌دنبال آن موظف ساختن انسان در جهت همسویی با طبیعت.			
۵. ایجاد بهشت بر روی زمین و عینیت یافتن عناصر موجود در طبیعت در مکانی با عنوان باغ در تمدن بابل که طبیعت و انسان در آن با یکدیگر هماهنگی دارند.			
		فروارگانیک	
		سمی ارگانیک	

منبع: نگارنده

۵- رابطه انسان و طبیعت در تمدن باستانی مصر

سرزمین مصر به‌دلیل موقعیت جغرافیایی برخلاف تمدن بین‌النهرین دارای مراودات فرهنگی با سایر تمدن‌ها نبود اما به‌دلیل زندگی متکی به کشاورزی دو عامل تاثیرگذار بر اندیشه مصریان باستان، یکی خدای خورشید (آمون) و دیگری رود نیل بود. اهمیت طبیعت و تقدس آن در تزیینات هنری این تمدن که الگوبرداری واقع‌گرایانه از گیاهان دره نیل بود (ستون‌های پاپیروسی شکل) متصور شد (جهان‌دار، ۱۳۹۱، ص ۲۰). دانش‌فر (۱۳۹۱، ص ۱۲). در ارتباط با رابطه انسان و طبیعت در مصر باستان و الگوبرداری از طبیعت در معماری آن ذکر می‌کند که "طبیعت پایه الهام معماری بنای معابد مصری- اهرام تقلیدی از کوه- ستوان از نخل و سرستون تقلیدی از گل نیلوفر یا پاپیروس است." و نیز بیان می‌کند "سیستم باغ‌سازی به‌صورت باغ‌های کشاورزی بوده و باغ‌ها را در قطعات مستطیل شکل، گیاهان با فرم منظم و دیوار بلند، آن را احاطه می‌کرد. این باغ‌ها به‌صورت نهرهایی که در دو طرف دارای درختان نخل بود، شطرنجی می‌شدند و باغ مصری دوران باستان الگوی مشخصی برای باغ‌سازی غرب بوده است."

جدول ۳: نوع رابطه انسان و طبیعت در تمدن باستانی مصر

نوع رابطه انسان و طبیعت		دوره تاریخی	
		ارگانیک	مصر
۱. تقدیس طبیعت و عناصر موجود در آن		فرارگانیک	
۲. طبیعت پایه الهام معماری بنای معابد مصری	✓		
۳. باغ‌سازی هندسی (به‌کارگیری قطعات مستطیل شکل)			
			سمی ارگانیک

منبع: نگارنده

۶- رابطه انسان و طبیعت در ایران

در ایران باستان همانند بیش‌تر اقوام ساکن فلات ایران پرستش عناصر طبیعی رایج بود و در میان الهه‌ها و خدایان الهه آب و آتش از اهمیت بیش‌تری برخوردار بود. جایگاه اسطوره‌ای این عناصر طبیعی در نقش و نگاره‌های به‌جا مانده از ایران باستان به‌خوبی مشهود است. کوه مقدس است زیرا جایگاه خدایانی بود که باران را به انسان‌ها هدیه می‌کردند. نماد لوتوس یا گل نیلوفر نیز از مهم‌ترین نمادهای آب بوده که هم در دست پادشاهان و هم به‌صورت چرخان در نقش‌نگاره‌های تخت‌جمشید دیده می‌شود. جنبه تقدس نیلوفر به محیط آبی آن بر می‌گردد، زیرا آب نمادی باستانی بود که هستی از آن آفریده شده است و نیلوفر که بر روی سطح آب در حرکت بود به‌مثابه زهدان آن به‌شمار می‌رفت. در اندیشه ایرانیان باستان آب، باد، خاک و آتش، به‌وجودآوردندگان عالم هستند و هر یک دارای ایزدی مشخص‌اند. اقوام کهن ایرانی آتش را از سایش دو تکه چوب به یکدیگر ایجاد می‌کردند و شعله‌اش را از این سایش بر می‌افروختند، به همین دلیل این باور در آنان

ریشه دوانید که سرچشمه آتش، چوب درختان است. این باور کم کم پرورش یافت و به این صورت تکامل یافت که آتش روح طبیعت و هر آن چیزی است که در طبیعت شکوفا می شود. این باور چنان گسترش یافت که آتش روح و روان زندگی و حیات شناخته شد و در طی گذشت سده ها و هزاره ها، این باور به وجود آمد که آتش روح هستی و آفرینش است (جهان دار، ۱۳۹۱، ص ۲۷).

رابطه انسان و طبیعت در دوران باستان علاوه بر تقدس عناصر طبیعت به شکل باغ سازی نیز نمود پیدا می کند. "پدیده باغ سازی از زمان های پیش از تاریخ در کشور ما وجود داشته و نقوش برکه آب و درخت زار بر روی سفال پیدا شده در شوش و سایر نشانه های بدست آمده نمایانگر اهمیت باغ در زندگی مردم خو گرفته با خشکی کویر در سرزمین کهنسال ما می باشد. ایرانیان بسیار پیش تر از سایر اقوام و ملل پی بردند که باغ سازی اساس کشاورزی است، و نیکوترین شیوه های باغ سازی را هم از زمان های دیرین بدست آورده بودند" (آریان پور، ۱۳۶۵، ص ۲۷). این دوران با حکومت هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان بر ایران همراه است. طی آن مفاهیم باغ هشت و باغ شهر رابط بین طبیعت و ایرانیان باستان را تعیین می کند. این مفاهیم، نماد خشکی و حاصل خیزی به شمار می رفت و منشا هستی و آفرینش و عامل تسلط بر دنیای بیرونی محسوب می شدند، در چنین نگرشی بقایای شهر به وجود باغ بستگی داشت و شهر تا زمانی می توانست به هستی خود ادامه دهد که در مدخل آن، باغ مستقر باشد، چون بر مبنای این اعتقاد، آب به عنوان منشاء حیات، توسط باغ از سینه خاک گرفته می شد و در شهر پخش می گردید. باغ بهشت ها نیز نمایانگر یگانگی آسمان و زمین بودند (تصویر ۲) (دانش فر، صدیق، ۱۳۹۱، ص ۱۸).

به طور کلی در این دوران باغ تصویری از جهان جاودانه بوده به طوری که درختان به صورت منظم کاشته می شده همچنین باغ دارای محورهای عمود بر هم (الگوی چهارباغ) بوده که یک یا چندین کوشک در امتداد این محورها استقرار می یافته و نظم هندسی اعمال شده بر محوطه باغ ایده جهان را تداعی می کند (تصویر ۲). ساخت باغ در کشور ما پیشینه ای طولانی داشته و اگر چه سابقه باغ ایرانی یا چهار باغ ریشه در دوران باستان دارد لیکن در دوران اسلامی نیز مورد توجه بوده و توسعه یافتند (تصویر ۲). باغ های ایرانی عموماً شخصی و متعلق به پادشاهان و امیران بوده لیکن در دوران اسلامی نمونه هایی از باغ های ایرانی در غالب منظر شهری به صورت پارک برای استفاده عموم شکل گرفتند. پیرنیا در این مورد اشاره مبهمی می کند (معماریان، ۱۳۸۷، ص ۴۲۷-۴۲۶). اردلان تفاوتی در باغ های دوره اسلامی نسبت به باغ های دوره پیشین قائل است؛ باغ و حیاط، مکمل گرما و خشکی فلات ایران در دوره اسلامی صورت های مهمی از مفهوم بهشت به شمار می آمدند (اردلان، بختیار، ۱۳۹۰، ص ۹۸). فضا سازی در باغ ایرانی بر پایه لذت جویی است هر چند حضور شاعران و عرفا در باغ ایرانی بعدی معنوی نیز بدان می بخشید. هدف از ایجاد باغ یک واحه و بهشتی منظم در میان جهانی مملو از آشفتگی است. رابطه انسان و طبیعت در باغ ایرانی رسمی بوده که با ایجاد عمق نمایی یک نقطه ای، سلسله مراتبی باید طی شود تا از بیرون به درون رسید (جهان دار، ۱۳۹۱، ص ۳۰).



تصویر ۲: باغ های ایرانی: از راست به چپ: باغ تخت که در بعضی از قسمت ها به دلیل عوارض زمین هندسه باغ نامنظم شده تا شکل طبیعی بستر حفظ شود، باغ گلشن طیس در بستری مسطح با شکل هندسی، باغ شاهزاده ماهان کرمان که با توجه به شیب بستر سایت به صورت هماهنگ با بستر به صورت پلکانی طراحی شده است. ماخذ: نعیم، ۱۳۸۵، مقتدر و همکاران، ۱۳۸۳

جدول ۴: نوع رابطه انسان و طبیعت در ایران باستان و ایران اسلامی

نوع رابطه انسان و طبیعت		دوره تاریخی
<ol style="list-style-type: none"> ۱. پرستش عناصر طبیعی در ایران باستان ۲. طبیعت پایه الهام معماری و تزیینات در ایران باستان (کاربرد نیلوفر آبی در تزیینات بناها و ...) ۳. رابطه انسان و طبیعت در دوران باستان علاوه بر تقدس عناصر طبیعت به شکل باغ سازی نمود می یابد ۴. باغ هشت و باغ شهر رابط بین طبیعت و ایرانیان باستان ۵. وجود باغ عاملی برای پایداری و بقای شهر ۶. نظم هندسی در باغ سازی دوران باستان ۷. ایجاد باغ بهشت ها نمایانگر یگانگی آسمان و زمین ۸. باغ و حیاط، مکمل گرما و خشکی فلات در دوران اسلامی است. ۹. باغ ایرانی صورت های مهمی از مفهوم بهشت به شمار می رود. ۱۰. اهمیت عناصر موجود در طبیعت همچون درختان، گل ها و گیاهان در ایران پس از اسلام 	<p>ارگانیک</p> <p>فرارگانیک ✓</p>	<p>ایران باستان و ایران اسلامی</p>

^۱ بر مبنای همین باور، آتش حرمتی مقدس و آسمانی یافت و پرستش شد، و چنین بود که با گذشت زمان، آتش بنیانی ایزدی و سرشتی مینوی یافت (جهان دار، ۱۳۹۱، ص ۲۷).

۱۱. رابطه‌ای رسمی میان انسان و طبیعت در باغ ایرانی		
	فروارگانیک	
	سمی ارگانیک	

ماخذ: نگارنده

۷- رابطه انسان و طبیعت در هند

تمدن هند یکی از کهن‌ترین تمدن‌های تاریخ جهان است که در بخش دره سند متمرکز شد. مطابق باور ایشان، انسان دارای سرشتی خدایی است اما از این حقیقت آگاه نیست زیرا روح او اسیر تن مادی شده است و تنها راه نجات روح، تکامل آن است، تکاملی که تنها از طریق طی کردن چرخه زندگی بدن می‌رسد. این اندیشه به صورت نماد "ماندالا" بیان می‌شود که نمادی معنوی است و این باور را در شکل دایره‌وار خود متجلی می‌کند. هندیان و ایرانیان دارای میراث‌های مشترکی هستند که تاثیر این میراث را بر اسطوره‌ها و آئین‌ها می‌توان مشاهده کرد و در قلمروی این شباهت‌ها، نقش‌مایه‌های مختلف و نمادهای متعددی اهمیت ستایش خورشید را نشان می‌دهد. حضور دایره در ابتدا در ادیان خدا - خورشید، از بین‌النهرین شروع شد و به ایران رفت در هند نماد ماندالا نمود یافت. این نماد بیانگر این باور است که روح انسان در زمان‌های بسیار دور اسیر تن شده و در چرخه زندگی اسیر است و تنها از طریق تکامل و خودشناسی می‌تواند از این وادی پر رنج رهایی یابد. به همین دلیل چرخ که نمونه‌ای از نمادی ماندالا است در فرهنگ و تصاویر هند باستان حضور دارد (جهان‌دار، ۱۳۹۱، ص ۳۲). سنت باغ‌سازی در هند پیش از تیموری، که از سواحل آتلانتیک تا خلیج بنگال شایع بوده، در آسیا دو شاخه می‌شود، یکی به جنوب می‌رود و از باغ‌های ایرانی الگوبرداری می‌کند، و دیگری در شرق باعث پیدایش باغ‌های گورکانی می‌شود.

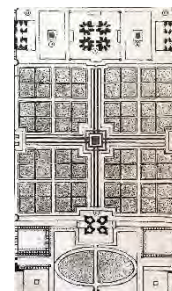
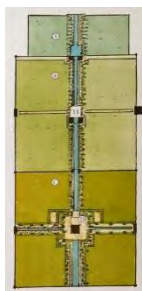
عناصر اصلی این باغ‌ها (نوعی چهارباغ)؛ آبراهه‌ها بود که سیستم آبیاری آن در ترکیب با چهارباغ، یک شبکه هندسی را به وجود می‌آورد که قابلیت نامحدود داشت و قابلیت‌های تحرک آب، رابطه‌های فضایی مختلف که بین قسمت‌های مختلف باغ وجود دارد را معتدل و اصلاح می‌کند و درحالی‌که بر پلان تاکید می‌کند، در عین حال صلبیت آن را کم می‌کند. خاک ایستا است و آب در جنبش، اما در باغ رابطه آن‌ها به صورت همزیستی در می‌آید. در انتهای باغ ایرانی، باغ‌های هندی کوشک قرار می‌گرفت. بنابر فرهنگ اسلامی که در آن بهشت به صورت یک باغ زیبا توصیف شده، باغ‌هایی که رنگ‌های زیبا، عطر خوش دارند، به بهشتی زمینی می‌مانند و آن قدر دلپذیرند و این باور چنان دید مثبتی نسبت به مرگ ایجاد می‌نمایند که در باغ‌های گورکانی معمولاً صاحب باغ در کوشک آن دفن می‌شده است. چنین باغ‌هایی در تمام شهرهای گورکانی شکل گرفت (جهان‌دار، ۱۳۹۱، ص ۳۳-۳۲).

جدول ۵: نوع رابطه انسان و طبیعت تمدن هند پیش از دوره تیموری

نوع رابطه انسان و طبیعت		دوره تاریخی
	ارگانیک	تمدن هند (پیش از دوره تیموری)
۱. ستایش عناصر طبیعی و ساختن اسطوره‌ها از این عناصر	فروارگانیک ✓	
۲. نمود طبیعت به شکل باغ‌های هندسی با الگوبرداری از باغ‌های ایرانی	فروارگانیک	
	سمی ارگانیک	

ماخذ: نگارنده

دوره تیموری (سده نهم قمری) نیز یک دوره تاریخی برجسته در معماری و شهرسازی ایران و از مهمترین دوره‌ها در تاریخ باغ‌سازی و باغ‌آرایی ایرانی است و باغ‌های تیموریان از مشهورترین باغ‌های جهان و نماد و نماینده برجسته‌ای از باغ ایرانی یا چهارباغ به شمار می‌روند. تیمور در شهرهای سمرقند و کش (شهر سبز) باغ‌های متعددی به همراه کاخ‌هایی عظیم و فضای سبز منحصر به فرد ایجاد کرد. حیدرنتاج به نقل از ورجاوند (۱۳۷۵، ص ۲۷) باغ‌های معروف سلطنتی سمرقند را شامل باغ شمال، باغ بلند، باغ خلوت، باغ میدان، باغ ارم، باغ بهشت، باغ چنار، باغ دلگشا، باغ نو، باغ جهان نما، باغ نقش جهان، باغ تخت قراچه، باغ دار، و باغ قراتپه دانسته است (حیدرنتاج، ۱۳۹۲). در اغلب باغ‌های تیموری خیابان‌ها و باغچه‌های مستطیل شکل و جنگل‌های کوچک به اشکال گوناگون احداث می‌نمودند (روحانی، ۱۳۶۵، ص ۳۳). به‌طور کلی این باغ‌ها پلانی چهارگوش داشتند و بر روی زمینی مناسب برای جریان یافتن آب ساخته می‌شدند. حصار اطراف محوطه باغ را در بر می‌گرفت (برناردینی، ۱۳۹۱، ص ۲۸۰-۲۷۸). گزارشی می‌کنند امپراتوری‌های تیموری که چهارباغ را که نمادی از بهشت قرآنی بود بیش‌تر در باغ‌های گورستان‌های خود استفاده می‌کردند (تصویر ۳) (زانگری، لورنتسی، رحمتی، ۱۳۹۱، ص ۳۶۶).



تصویر ۳: باغ‌های تیموری به ترتیب از راست به چپ: باغ مزار تاج محل با الگوی چهارباغ، باغ در کشمیر که بر فراز تپه‌ای ساخته شد، نقشه‌ای از شالیمار در لاهور که از دو چهارباغ تشکیل شده بود؛ ماخذ: نعیم، ۱۳۸۵، ص ۲۹۲، مقتدر و همکاران، ۱۳۸۳، ص ۶۸

صفات مشخص باغ‌های متعدد سمرقند، که کلیه آن‌ها جنبه‌های مشترکی داشتند، بدین قرار است: فضایی محصور با دیوارهایی بلند و خیابان‌های متقاطع و مستقیم، تقسیم فضا به چهار قسمت، استفاده از یک نهر اصلی، وجود کوشک یا قصر در مرکز فضا، انتخاب یک قطعه زمین که به صورت طبیعی شیب دارد یا ایجاد

سکوبندی در سایت باغ. ایجاد یک تپه طبیعی به منظور حصول اطمینان از این که آب به طور رضایت بخشی جریان پیدا می کند. به نظر می رسد در تمدن هند خصوصاً در دوره تیموری (گورکانی) در برخی موارد انسان خود شروع به ساخت بستری مغایر با بستر طبیعی زمین کرده؛ چنان که در ساخت بعضی از باغها به سکوبندی سایت باغ پرداخته و در محیط داخلی باغ شروع به احداث جنگل های مصنوعی، تپه های مصنوعی و یا تپه هایی مصنوعی از گل می پرداخته است. ذکر شد در دوره فرورگانیک انسان نسبت به طبیعت شناختی کامل پیدا کرده و به محیط اطراف اشراف نسبی پیدا کرده است پس برای آسایش بیشتر دخل و تصرف هایی جزئی در طبیعت انجام می دهد. در این دوره باغ سازی در برخی موارد جزئی دارای ویژگی های مشترک دوره فرورگانیک است.

جدول ۶: نوع رابطه انسان و طبیعت تمدن هند در دوره تیموری

نوع رابطه انسان و طبیعت		دوره تاریخی	
		ارگانیک	تمدن هند (در دوره تیموری)
		فرارگانیک	
۱. ایجاد سکوبندی در سایت باغ در جهت شیب دار نمودن آن ۲. ایجاد جنگل های کوچک در باغ به اشکال گوناگون که ساخته دست انسان هستند. ۳. ایجاد تپه های طبیعی به دست انسان به منظور حصول اطمینان جهت جریان پیدا کردن آب.	* ✓	فرورگانیک	
		سمی ارگانیک	

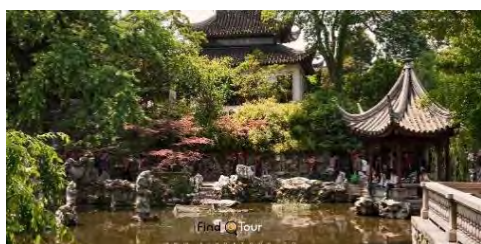
ماخذ: نگارنده

* در باغ سازی گورکانی در برخی موارد از جمله تغییر در بستر سایت و نیز به کارگیری عناصر انسان ساخت مصنوع در باغ، اشتراکاتی با دوره فرورگانیک که شامل دخل و تصرف هایی در طبیعت بوده؛ به صورت جزئی دیده می شود.

۸- رابطه انسان و طبیعت در چین

چین سرزمینی وسیع در کنار دریا بود به همین دلیل، نام کشورشان، به معنی سرزمین زیر آسمانها یا میان چهار دریا است. مردم چین باستان تصور می کردند که زمین محاط در آب و در هر سوی آن دریایی بزرگ قرار دارد. معانی که در مورد تقدس عنصر آب در خاور دور و بین النهرین به کار رفته، نشان می دهد در هر دوی این تمدن ها عنصر آب دارای خاصیت پاک کنندگی و پاک بودن، تجدید حیات و نشانه باروری است. به طور مثال هرکس در آب فرو رود می میرد و مانند یک کودک بی گناه به دنیا باز می گردد. اما اسطوره آب مقدس در بین النهرین دارای نهدی از زن می باشد مانند (آناهیتا در ایران، گنگ در هند و یا نیل در مصر) ولی در شرق (چین) این اسطوره نمادی از یک موجود افسانه ای (اژدها) که ویژگی ترینگیش مورد توجه می باشد (ابراهیمیان، ۱۳۸۱). در اندیشه تمدن چین تمام عناصر جهان، از ۵ عنصر اولیه اند که عبارت بودند از فلز، چوب، آب، آتش و خاک، که با هم کامل و یا متضاد یکدیگرند. نماد دایره شکل بین و یانگ برگرفته از همین باور بود. که در نهایت در هنر فنگ شویی، هماهنگی و تعادل بین زندگی انسان و محیط پیرامون او هدف بود. بین به معنای شیب های پرتگاه کوهستان ها، هوای بارانی و سرد، دست راست و تمان آن چه منفعل و زنانه است و یانگ به معنای سمت آفتاب، گرما و خشکی، دست چپ و هر چه مردانه و فعال است.

در اندیشه چینیان هماهنگی جهان از جمع این انرژی های متضاد و مکمل به وجود می آید و فضا برای آن ها برای هر چه بیش تر هماهنگ شدن با آهنگ طبیعت شکل می گیرد و نهایتاً مفهوم این آهنگ در فضای باغ متبلور می شود. ارزش باغ در چین در ایجاد گفت و گویی است که با بیننده ایجاد می کند که در این میان طرح باغ، عناصر و اجزای باغ و ترکیب آن ها در درجه دوم اهمیت قرار می گیرد چرا که بر اساس اندیشه چینیان حفظ آهنگ طبیعت، بازی با نور و سایه، حرکت آهسته آب و ایجاد طبیعتی که از خود طبیعت آرمانی تر است در آفرینش باغ بیش تر جلوه می کند (پیرازولی، ۱۳۸۶). در واقع در باغچه بندی و سازندگی باغها در چین مناظر طبیعی و احساسات بینندگان محور کار دانسته و بیشتر به یگانگی انسان و طبیعت توجه شده است (تصویر ۴) (دانش فر، صدیق، ۱۳۹۱، ص ۴۴). در اندیشه مردمان چین، باغ، جهانی بسته و بسیار سازگار است. هنر باغ سازی از آن جهت که رودر روی اندیشمندان چینی با طبیعت را در مقیاسی کوچک بیان می کند به نوعی بارزترین نمونه نبوغ در معماری چین است. از منظر ایشان هر چند عنصر آب به باغ حیات می بخشد و مکان یابی آن مشروط به وجود مناطق آب خیز است، اما، کوه ها اصیل ترین عنصر باغ هستند و کار با سنگ در باغ یک سنت فرهنگی قدیمی است که قوای طبیعت در باغ به شکل کوه ها و سنگ ها نمود پیدا می کرد (تصویر ۴). سنگ اغلب با گیاهانی هم چون مامبو و کاج همراه بوده است که هر دو نمادی از عمر طولانی به نمایش در می آمدند. عنصر دیوار در باغ چینی در تطبیق با محیط بیرون است و به ندرت مسیری مستقیم را طی می کند، کلاه فرنگی های باز و پیاده روه های پر پیچ و خم در مسیر ارتباطی آن ها، پل های سنگی و یا چوبی نیز مسیری نامنظم را شکل می دهند که مکمل این مسیر طبیعی هستند. این نوع نگرش به هنر باغ سازی ریشه در تفکر و اندیشه تائوئیسم دارد که نمایش کاملی از محیط طبیعی را در مقیاسی کوچک اجرا می کند و بعدها این هنر بر باغ سازی اروپای قرن ۱۸ نیز متاثر بود که حاصل از اولین برخوردهای اروپا با اندیشه های چینی بود (پیرازولی، ۱۳۸۶).



تصویر ۴: باغ های چین، به ترتیب از راست به چپ: نماد بین و یانگ، فضای داخلی در باغ چینی، باغ شیر در چین که به دلیل وجود سنگ های کوچک و بزرگ با اشکال عجیب به شهرت رسیده است. ماخذ: (جهان دار، ۱۳۹۱، ص ۳۵ و ۳۶، www.findatour.co).

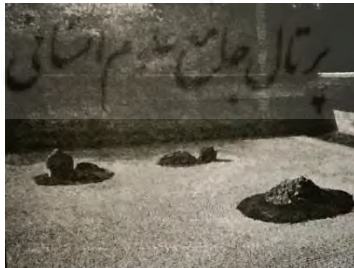
جدول ۷: نوع رابطه انسان و طبیعت در چین

دوره تاریخی	نوع رابطه انسان و طبیعت
تمدن چین	۱. تقدس عناصر طبیعی از جمله آب و اسطوره قرار دادن آن به عنوان نمادی از اژدها (نرینگی) ۲. شکل‌گیری نماد بین و یانگ ۳. هنر فنگ‌شویی با هدف هماهنگی و تعادل بین زندگی انسان و محیط ۴. شکل‌گیری باغ با هدف هماهنگ شدن با آهنگ طبیعت و رودرویی با طبیعت در مقیاسی کوچک. ۵. شکل‌گیری اندیشه‌ای در باغ‌سازی و اجزا آن به صورت حفظ آهنگ طبیعت، بازی با نور و سایه، حرکت آهسته آب و ایجاد طبیعتی که از خود طبیعت آرمانی‌تر است. ۶. در اندیشه چینیان، باغ، جهانی بسته و بسیار سازگار است. ۷. تقدیس عنصر طبیعی کوه و کار با سنگ و بازآفرینی آن در باغ به شکل تپه‌ها و سنگ‌ها. ۸. تطبیق عناصر و اجزای باغ با طبیعت از جمله عنصر دیوار در باغ چینی در تطبیق با محیط بیرون است و به ندرت مسیری مستقیم را طی می‌کند، کلاه‌فرنگی‌های باز و پیاده‌روهای پرپیچ و خم در مسیر ارتباطی آن‌ها، پل‌های سنگی و یا چوبی نیز مسیری نامنظم را شکل می‌دهند که مکمل این مسیر طبیعی هستند. ۹. هدف از باغ‌سازی در چین یگانگی انسان و طبیعت است.
	فرارگانیک
	فرورگانیک
	سمی ارگانیک

ماخذ: نگارنده

۹- رابطه انسان و طبیعت در ژاپن

جغرافیای سرزمینی مجمع‌الجزایری مانند ژاپن بستری است که اندیشه و باور مردم این تمدن برگرفته از آن است، در تفکر از سان ژاپنی این جزایر فرزندان خدایان هستند و رفتار انسان با فرزندان خدایان تعریفی خاص دارد. طبیعت در چین و ژاپن به عنوان موضوع اصلی هنر قرار می‌گیرد. ایرانیان برای ایجاد باغ سعی در رام کردن طبیعت داشتند و آن را محصور می‌کردند زیرا طبیعت و اقلیم آن‌ها خشکسالی و سیل را نصیب ایرانیان می‌کرد اما ژاپنی‌ها طبیعت را ستایش می‌کردند و آن را باز می‌آفریدند؛ برکه‌های عظیم با سواحل شنی و سنگی همانند جزایر کوچک که تقلیدی از صحنه اقیانوس‌ها هستند را ایجاد می‌کردند (جهان‌دار، ۱۳۹۱، ص ۳۷). در تمدن ژاپن کوه مقدس‌ترین عنصر بود و فرهنگ ژاپن که برآمده از باورهای شینتو و بودیسم ذن بود، در باغ‌سازی ایشان متبلور شد، به طوری که نقاشی کردن کوه و یا ایجاد شبه کوه در باغ ژاپنی مقدس شمرده می‌شد که به صورت تعداد مشخصی از صخره شکل می‌گرفت. در اساطیر این تمدن مکان‌هایی که با صخره محصور شده‌اند "مرز بهشت" نام دارند و محل سکونت خدایان هستند و با تجمع انبوهی از درختان، باغ ژاپنی سعی در تکرار و تقلید از طبیعت دارد (بابک، ۱۳۸۹، ص ۴۵). در مقام مقایسه در باغ ایرانی آب مهم‌ترین عنصر و در باغ ژاپنی کوه مهم‌ترین است. عناصر اصلی در باغ به دور "صخره مرکزی" یا نگهبان قرار می‌گیرند و یک نوع تعادل غیرممتازن به وجود می‌آورد. در قرن ۱۴ تا ۱۶ که دوران طلایی طراحی باغ ژاپنی است سبک جدیدی در طراحی باغ آغاز شد و "باغ خشک" به وجود آمد (تصویر ۵). این باغ‌ها تنها با عناصری مانند صخره، سنگ و شن ساخته می‌شدند تلاشی برای به نوعی فضای ایده‌آل برای اعمالی همچون مراقبه بود و فضایی کاملاً ذهنی برای تمرکز و تفکر ایجاد می‌شد و در این فضا سازی تقابل بسیار این نوع باغ با باغ‌سازی ایرانی بسیار گویا است. در باغ‌های خشک یا باغ‌های سنگی، شن نماد آب و صخره‌ها نماد کوه است و ترکیب این دو، منظره‌ای ذهنی را می‌آفریند تا انسان را به سوی تزکیه نفس سوق دهد (تصویر ۵). دیوارهای کوتاه این باغ‌ها آن‌ها را به طبیعت اطراف پیوند می‌دهد (جواهریان، فریار، ۱۳۸۲).



تصویر ۵: باغ ژاپنی، به ترتیب از راست به چپ: ریوان-جی (انتهای سده ۱۵) در کیوتو، باغ سنگ (باغ خشک)؛ فضا سازی باغ از جبهه دیگر، باغ کوه سعادت در زویهو-این، یک معبد زیرمجموعه دایتوکو-جی، ماخذ تصاویر: (جهان‌دار، ۱۳۹۱، ص ۳۸، <https://fa.wikipedia.org>).

در باغ‌های ژاپنی از فرم‌های منظم هندسی خبری نیست. با این که همه درخت‌ها و گیاهان با فکر، طرح و نقشه کاشته می‌شوند اما خبری از نظم‌های همیشگی نیست. گویی این درخت‌ها و گیاهان خودرو بوده‌اند. کوشک‌ها نیز کاملاً هم سطح طبیعت و گاهی در پایین‌ترین سطح باغ یعنی هم سطح دریاچه ساخته می‌شدند (تصویر ۶). در این توصیف می‌بینیم که ژاپنی‌ها چقدر خود را نزدیک و در طبیعت می‌بینند. انسان بخشی از طبیعت است نه فراتر از طبیعت. هم‌چنین در طرح‌های ژاپنی به جای آن که از تعداد زیادی گل و گیاه استفاده شود سعی بر این است که بین عوامل طبیعی که نقش سمبلیک دارند، ارتباط عاطفی برقرار شود و هر قسمتی از باغ نمایان‌گر گوشه‌ای از طبیعت باشد (تصویر ۶) (دانش‌فر، صدیق، ۱۳۹۱، ص ۴۶).



تصویر ۶: باغ ژاپنی، به ترتیب از راست به چپ: باغی ژاپنی. وجود دریاچه و پل که از عناصر اصلی باغ‌های ژاپنی هستند و گوشک باغ که همسطح با دریاچه احداث می‌شده، نمونه‌هایی از باغ‌های ترکیبی آب و درخت، مسیرهای پرپیچ و خم در باغ‌های ژاپنی؛ ماخذ تصاویر: (بقایی، امیرخانی، ۱۳۸۸، ص ۸۰ و ۸۸).

جدول ۸: نوع رابطه انسان و طبیعت در ژاپن

نوع رابطه انسان و طبیعت		دوره تاریخی
<p>۱. طبیعت در ژاپن به عنوان موضوع اصلی هنر مطرح است.</p> <p>۲. ستایش طبیعت و بازآفرینی آن به‌عنوان مثال برکه‌های عظیم با سواحل شنی و سنگی همانند جزایر کوچک که تقلیدی از صحنه اقیانوس‌ها هستند را ایجاد می‌کردند.</p> <p>۳. مقدس بودن عنصر طبیعی کوه و بازآفرینی آن به شکل صخره در باغ‌های ژاپنی</p> <p>۴. شکل‌گیری باغ خشک که تلفیقی از صخره، سنگ و شن است.</p> <p>۵. به‌کارگیری دیوارهای کوتاه در باغ‌سازی که آن‌ها را به طبیعت اطراف پیوند می‌دهد.</p> <p>۶. انسان بخشی از طبیعت است نه فراتر از آن و در طراحی باغ‌سازی ژاپنی نزدیکی تنگاتنگ انسان با طبیعت دیده می‌شود.</p> <p>۷. اجزا و عناصر به‌کار رفته در باغ ژاپنی نقش سمبلیک دارند و هر یک مفهوم خاص و بیانگر نکته‌ای از واقعیت‌های موجود در طبیعت بوده است.</p>	<p>ارگانیک</p> <p>فرارگانیک</p>	<p>تمدن چین</p>
	<p>فروارگانیک</p>	
	<p>سمی ارگانیک</p>	

ماخذ: نگارنده

۱۰- نتیجه‌گیری

انسان از دوران نخستین سعی در شناخت طبیعت و عناصر موجود در آن داشته چرا که طبیعت و تمامی عناصر آن برای انسان نخستین ناشناخته بوده است. در این روند زمانی از دوران پیش از تاریخ تا شکل‌گیری تمدن‌های تاریخی شناخت انسان کامل‌تر شده و هر چه شناخت او نسبت به طبیعت کامل‌تر شد شکل بیان او از طبیعت و پدیده‌های آن نیز تغییر کرد. در تمامی تمدن‌های تاریخی به‌خصوص تمدن‌های مشرق زمین طبیعت و عناصر موجود در آن مقدس بوده که با توجه به فرهنگ و باورهای برخاسته از هر یک از تمدن‌ها گاه تأکید بر عنصری خاص از طبیعت شامل آب، کوه، سنگ، درخت و اهمیت بیش‌تری پیدا می‌کرده است. این مقاله حاصل نتایج بخشی از تحقیقی است که در بررسی رابطه انسان و طبیعت در تمدن‌های مشرق زمین و با هدف درک و بیان نوع رابطه آن‌ها (همسو با طبیعت یا دست‌اندازی در آن) انجام شده است تا بتواند به صورت منظم، شفاف و طبقه‌بندی شده این ارتباط را بازشناسی و تبیین نماید. بررسی و بازشناسی مطالب در چند بخش اصلی شامل تقسیم‌بندی دوره‌های زندگی انسان در طول تاریخ، رابطه انسان و طبیعت در تمدن بین‌النهرین، رابطه انسان و طبیعت در تمدن باستانی مصر، رابطه انسان و طبیعت در ایران (دوران باستان و دوران اسلامی)، رابطه انسان و طبیعت در هند، رابطه انسان و طبیعت در تمدن چین و در نهایت رابطه انسان و طبیعت در تمدن ژاپن ارائه شده است.

در بخش تقسیم‌بندی دوره‌های زندگی انسان، نوع برخورد انسان با طبیعت به صورت چهار دوره ارگانیک، فرارگانیک، فروارگانیک و سمی ارگانیک بیان شده است. این دوره‌ها روند تحول نوع رابطه انسان و طبیعت را به‌طور کلی بازگو کرده است. در وضعیت نخست رابطه انسان و طبیعت در تعامل با طبیعت است. در وضعیت دوم انسان شناخت نسبی نسبت به طبیعت پیدا کرده است و همسو با طبیعت پیش می‌رود. در رویکرد سوم انسان شناخت کامل نسبت به طبیعت پیدا کرده و برای آسایش بیش‌تر دخل و تصرف‌هایی در طبیعت انجام می‌دهد که رفته رفته این عملکرد موجب شروع غارت منابع طبیعی می‌شود. در رویکرد چهارم بسیاری از منابع طبیعی از میان می‌رود و بشر با توجه به مشکلات به‌وجود آمده مجدد به‌سوی هماهنگ‌سازی با طبیعت با استفاده از تکنولوژی و فن‌آوری پیشرفته‌تر، متفاوت از دوران فرارگانیک روانه شد. در بررسی تمدن‌های مشرق زمین در ابتدا رابطه انسان و طبیعت در دوران پیش از تاریخ بررسی شد. در این دوران انسان شناخت اندکی نسبت به طبیعت داشته و با گذر زمان جهان‌بینی متفاوتی نسبت به طبیعت پیدا کرده و از فرم‌های موجود در طبیعت مانند فرم دایره‌ای خورشید و ماه در ایجاد سرپناه تقلید می‌کند و به‌طورکلی رویکردی ارگانیک را در ارتباط با طبیعت طی می‌کند.

در تمدن‌های بین‌النهرین عناصر موجود در طبیعت تقدیس می‌شده و انسان سعی در ایجاد بهشت بر روی زمین داشته و این نگرش سبب به‌وجود آمدن باغ می‌شود. به‌طورکلی این تمدن رویکردی فرارگانیک (همسویی با طبیعت و الهام از آن) داشته است. در تمدن باستانی مصر نیز مواجهه با طبیعت به‌صورت تقدیس آن، الهام از طبیعت در بناها و باغ‌سازی نمود پیدا می‌کند. تمدن ایران نیز چه در دوران باستان و چه در اسلامی به‌صورت تقدیس و احترام طبیعت و عناصر موجود در آن نمود پیدا کرده، طبیعت در سرزمین ایران نیز منبع الهام در شهرسازی، باغ‌سازی و ساخت بناها و باغ‌شهرها بوده و به‌دلیل اقلیم گرم و خشک این سرزمین ایجاد بهشتی سرسبز با مبانی معنایی موجب به‌وجود آمدن باغ و باغ‌سازی چه در دوران باستان و چه در دوران اسلامی به‌صورت گسترده می‌شود. باغ‌ها متناسب با سایت

موردنظر به صورت هموار و یا هماهنگ با شیب منطقه شکل گرفته و همسویی آن با طبیعت را خاطر نشان می‌کند. رابطه میان انسان و طبیعت در تمدن ایران از نوع رابطه‌ای رسمی بوده و با توجه به توضیحات رویکردی فراارگانیک را خاطر نشان می‌سازد.

تمدن شرقی هند پیش از دوره تیموری نیز رویکردی فراارگانیک داشته که در آن به ستایش عناصر موجود در طبیعت پرداخته شده و باغ‌سازی به تقلید از باغ‌سازی ایرانی معمول بوده و در دوره تیموری با توجه به ایجاد سکون‌بندی‌ها در سایت باغ و پیروی نکردن از سایت موردنظر، ایجاد تپه‌های طبیعی انسان‌ساخت، ایجاد جنگل‌های مصنوعی در بخش‌های مختلف باغ‌ها و ... به نظر تا حدودی رویکردی از نوع فراارگانیک را با طبیعت نشان می‌دهد. تمدن‌های چین و ژاپن نیز رویکردی فراارگانیک با طبیعت دارند. تمدن چین یگانگی انسان و طبیعت در هنر باغ‌سازی به منصفه ظهور می‌رسد و تمامی عناصر و اجزا باغ در هماهنگی کامل با طبیعت و گاه از خود طبیعت نیز آرمانی‌تر است. در تمدن ژاپن نیز عناصر موجود در طبیعت مورد ستایش قرار می‌گیرد تا جایی که عناصر مهم در باغ‌سازی این تمدن بازآفرینی شده و بخشی از باغ را به خود اختصاص می‌دهد. تمامی اجزای طبیعی به کار رفته در این تمدن نقش سمبلیک دارند و بیانگر نکته‌ای از واقعیت‌های موجود در طبیعت است. طبیعت در این تمدن بازآفرینی می‌شود و به صورت کامل با طبیعت اطراف پیوند داده می‌شود و در هنر باغ‌سازی رابطه تنگاتنگ انسان با طبیعت به خوبی مشاهده می‌شود. با توجه به بررسی و مرور رابطه میان انسان و طبیعت در تمدن‌های شرقی این نکته را در می‌یابیم که اکثر آن‌ها رابطه بسیار نزدیکی با طبیعت داشته و کمترین دست‌اندازی در طبیعت به چشم می‌خورد. در تمامی این تمدن‌ها انسان خود را جزئی از طبیعت می‌دانسته و رویکردی ارگانیک و فرا ارگانیک نسبت به آن داشته است. نگرشی که بعدها در تمدن‌های مغرب زمین با تغییراتی مواجه شده و رویکردی جدید به منصفه ظهور می‌رسد.

منابع

۱. ابراهیمیان، حسین، ۱۳۸۱، اساطیر چین، کتاب ماه هنر
۲. اردلان، ن. بختیار، ل. ۱۳۹۰، حس وحدت، ت: ونداد جلیلی، موسسه علم معمار روپال،
۳. آریان پور، علیرضا، ۱۳۶۵، پژوهشی در شناخت باغ‌های ایران و باغ‌های تاریخی شیراز، چاپ اول، تهران، گلشن
۴. بابک، داریوش، ۱۳۸۹، انسان، طبیعت، معماری، نشر علم و دانش
۵. برناردینی، م. ۱۹۹۴، باغ‌های سمرقند و هرات، به کوشش پتروچولی، آتیلیو، باغ‌های اسلامی، ت: مجید راسخی، روزنه، ۱۳۹۱
۶. بقایی، پرهام؛ امیرخانی، آری، ۱۳۸۸، مبانی و اصول منظرپردازی در ایران و ژاپن، چاپ اول، تهران، انتشارات سیمای دانش
۷. بهبهانی، هما، ۱۳۷۲، معماری با طبیعت در گذر زمان، تهران، موسسه مطالعات محیط زیست دانشگاه تهران
۸. پیرازولی، استیون، ۱۳۸۶، معماری چین، ترجمه هادی جابری مقدم، فرهنگستان هنر
۹. جواهریان، فریار، ۱۳۸۳، حس مکان در باغ ایرانی و ژاپنی، مجله معمار، شماره بیست و هشتم، ۱۴۸-۱۴۰
۱۰. جهان‌دار، نسیم، ۱۳۹۱، انسان، طبیعت، معماری، چاپ سوم، تهران، عصر کنکاش
۱۱. حیدرنتاج، و. انتقال فرهنگ، روند انتقال باغ ایرانی به هند، مجله علمی ترویجی منظر، (۲۵)، ۹-۶، ۱۳۹۲
۱۲. دانش‌فر، احسان. صدیق، مرتضی، ۱۳۹۱، معماری منظر، تهران، سروش دانش
۱۳. روحانی، غزاله، ۱۳۶۵، طراحی باغ و احداث فضای سبز، تهران، انتشارات پارت
۱۴. زانگری، ل. لورنتسی، ب. رحمتی، ن. ۱۳۹۱، باغ‌های ایرانی - اسلامی، ت: مجید راسخی، فرهاد تهرانی، دفتر پژوهش‌های فرهنگی
۱۵. گروتز، یورگ کورت، ۱۳۹۰، زیبایی‌شناسی در معماری، ت: جهان‌شاه پاکزاد، عبدالرضا همایون، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی
۱۶. گلپرور فرد، نازنین، ۱۳۸۸، انسان، طبیعت، معماری، تهران، طحان: هله
۱۷. معماریان، غلامحسین، ۱۳۸۷، معماری ایرانی، تهران، انتشارات سروش دانش
۱۸. نصر، حسین، ۱۳۷۹، انسان و طبیعت (بحران معنوی انسان متجدد)، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول
۱۹. نوربرگ شولتز، کریستیان، ۱۳۸۲، گزینه‌ای از معماری: معنا و مکان، ترجمه ویدا نوروز برازجانی، تهران، نشر جان تهران
۲۰. Bollnow, Otoff, 1980, Mensch und Raum, Stuttgart,